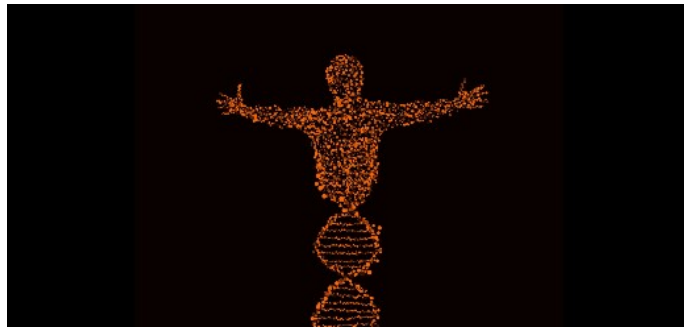


در جستجوی «ژنِ یهودی»



برگ‌هایی از یک کتاب

کتاب «دولت اسرائیل علیه یهودیان» نوشته سیلوان سیپل، در ۶ فوریه منتشر شد. این کتاب، تحول جامعه اسرائیل را در بیست سال گذشته بررسی می‌کند. در زیر بخش جالبی از «فصل ۴» کتاب با عنوان «در جستجوی ژن یهودی» را می‌آوریم. هنگام تالیف کتاب، هنوز دیوان عالی اسرائیل حق خامی اعظم را برای استفاده از ژنتیک جهت اثبات یهودیت یک فرد، تأیید نکرده بود. این امر در ۲۴ ژانویه گذشته عملی شد. حزب «اسرائیل، خانه ما» (راست افراطی لائیک) و نهادهای لائیک با آن مخالف بودند.

سیلون سیپل، اوریان ۲۱

ترجمه از بهروز عارفی

در پشت سر روند رشد نظریه‌های برتری نژادی سفیدپوستان که البته به محافل استعماری بسیار فعال در اسرائیل محدود است، با گسترش پدیده‌ای روبرو هستیم که عبارت است از ایده‌ی حفظ خلوص نژادی. به یقین، چنین ایده‌ای به تمایل ژرف ماندن در «میان خود» به مثابه ایده‌آل واقعی زندگی ارتباط دارد. روز ۹ فوریه ۲۰۱۶، نتانیاهو از «طرح چندساله‌ای برای کشیدن دیواری امنیتی به دور اسرائیل» پرده برداشت.

او که از استقبال بسیار مساعد افکار عمومی کشور از چنین ایده‌ای آگاه بود، می‌گوید: «عاقبت، دولت اسرائیل، به آن صورتی که مورد نظر من است، کاملاً محصور خواهد بود. به من خواهند گفت: این درست همان چیزی است که می‌خواهید، یعنی که از ویلا محافظت کنید؟ پاسخ مثبت است. در محیطی که ما زندگی می‌کنیم، باید از خود در مقابل حیوانات وحشی محافظت کنیم. (۱)» استعاره «ویلائی در یک جنگل» یعنی

دولت اسرائیل در محاصره ی جانوران وحشی را قبلاً یهود باراک، نخست وزیر پیشین اسرائیل (از حزب کارگر) در تابستان سال ۲۰۰۰، پس از شکست مذاکرات صلح کمپ دیوید بر زبان آورده بود.

ازدواج با یک دختر نروژی ؟

این مفهوم، منشاء گوشه گیری انحصاری نسبت به حضور دیگران است. این احساس ممکن است به گرایش نژادپرستانه منجر شود که دلیل آن، فقط نیاز به داشتن امنیت نبوده و اغلب از تمایلات مذهبی و حتی از مشتقات گره خوردگی عرفان و ناسیونالیسم الهام گرفته است. در دین یهودی، به آن صورتی که در اسرائیل بدان عمل می شود، و قدرت حاکم، خاخامی بسیار سنت گرا را مأمور اداره همه امور زندگی خانواده کرده (تولد، ازدواج، طلاق، مرگ، و غیره) و ازدواج مدنی از نظر قانونی به رسمیت شناخته نمی شود، «ازدواج های مختلط»، یعنی ازدواج بین یهودی و غیر یهودی غیر ممکن است.

این ممنوعیت که در ابتدا فرمانی الهیاتی بود، غالباً با بیان نژادپرستی کم و بیش آشکار همراه است. از جمله، هنگامی که در ژانویه ۲۰۱۴، رابطه خصوصی یئیر نتانیا هو، پسر نخست وزیر با ساندرا لیکانگر، دانشجوی نروژی برملا شد، فوراً موجی از واکنش های شدید طرفداران یهودیت ناب را برانگیخت. نیسیم زئو، نماینده حزب اولترا-ارتدکس شاس در مجلس، به روزنامه جروزالیم پست اظهار داشت: «هر یهودی که بخواهد ریشه هایش را حفظ کند، مایل است که پسرش با یک دختر یهودی ازدواج کند. [بنیامین نتانیا هو] به عنوان نخست وزیر اسرائیل و نیز خلق یهود موظف است مسئولیت ملی اش را نشان داده و از ارزش های آن در چارچوب خانواده خودش دفاع کند(۲)». حتی در درون حزب لیکود، این ارتباط دردسر ایجاد می کرد. بسیاری یادآوری کردند که اگر خدای ناکرده، پسر نخست وزیر با این دختر نروژی، کودکی هم می داشت، آن ها یهودی نمی بودند، زیرا یهودیت از طریق مادر منتقل می شود. دست کم برای کسانی که متاسفانه زیاد هم هستند و به این مهمات بیولوژیکی-فرهنگی اعتقاد دارند، وضع چنین است. در مورد نروژ چه خواهند گفت اگر، مقامات مسیحی و نمایندگان مجلسش از عشق پسر نخست وزیر با یک دختر دانشجوی یهودی رنجیده خاطر شده باشند ؟ آن ها نژاد پرست هستند، مگر نه ؟

در هر صورت، ازدواج با یک عرب ممنوع !

مسلم است هر وقت که یک پسر یا دختر یهودی قصد ازدواج با یک عرب دارد، اوضاع شلوغ می شود. در اسرائیل، فکر می کنند که عربیت، پدیده ی خیانت به نژاد را به شدت وخیم تر می کند. هنگامی که در سال ۲۰۱۸، تساهي هِلَـوِي، خواننده و هنرپیشه اسرائیلی اعلام کرد که پس از چهار سال زندگی مشترک با شریک زندگی اش لوسي هريش، روزنامه نگار و مجری فلسطینی مسلمان تلویزیون، «ازدواج» ساختگی (به علت ممنوع بودن آن در اسرائیل) می کند، جنجال بزرگی در اسرائیل ایجاد شد. آریه دریف وزیر کشور وقت اخطار کرد. او در رادیوی ارتش اعلام کرد: «این ازدواج کار خوبی نیست. فرزندان شما، به خاطر وضعیت شان دچار مشکل خواهند شد.» سپس او به خانم هريش پیشنهاد کرد که به یهودیت گِرَوَد. اورن هازان، نماینده مجلس از حزب لیکود خواست که دولت ازدواج بین جامعه های [مذهبی] مختلف را به رسمیت نشناسد. او در توییتی نوشت: «لوسي، این مسئله خصوصی نیست. اما شما باید بدانید که تساهي برادر من است، خلق یهود برادران من هستند. مرگ بر اختلاط!» و او سپس هلوی را متهم به «اسلامیزه شدن» کرد.

افراد دیگری نظیر یئیر لاپید (نماینده مجلس)، یا نفتالی بنیت، وزیر مذهبی در مورد رد چنین ازدواج هایی اظهار نظر کردند. سلمان مصالحه، نماینده فلسطینی مجلس، «نژادپرستی» این تفسیر ها را نکوهش کرده و گفت چنین سخنانی مشمئزکننده است. او به کلیه مدافعان خلوص یهودیت یادآوری کرد که در کشورهای اسلامی، زنان از ازدواج با غیرمسلمانان اکیدا منع شده اند و اگر مردان از چنین اجازه ای برخوردارند، این کار در عمل (دوفاکتو) ممنوع است. او نتیجه گرفت که «افرادی چون لاپید، بنت و نظایر آن ها از هم پالکی های شان در کشور های مسلمان متفاوت نیستند». (۳)

همواره، حفظ خلوص یهودیت پیامدهایی نیز دارد. تظاهر بسیار جنون آمیز این ایدئولوژی در دولت اسرائیل به آن صورتی که این دولت در آمده، ظهور یک مکتب علمی است که قصد دارد «ژنتیک یهودی» را به مثابه اول و آخر توجیه صهیونیسم یعنی «حق تاریخی» یهودیان به بازگشت به سرزمین نیاکان و وضعیت منحصر به فرد این ملت تلقی کند - از وضعیت منحصر به فرد، باید مفهوم استثنائی یعنی برگزیده را فهمید. ۱۳ ژانویه ۲۰۱۴، در تل آویو درباره موضوع «یهودیان و

نژاد: ژنتیک، تاریخ و فرهنگ»، سمیناری دانشگاهی برگزار گردید. دانشگاهیان بحث و جدل فراوانی کردند و برخی وجود یک «نژاد» یهودی را معتبر دانستند. برخی دیگر قاطعانه با آن مخالفت کردند. اما خود عنوان این کنفرانس، احساس نامطلوبی ایجاد می کند: «آیا نژادها، تاریخی دارند؟»، «آیا ژنتیک می تواند تعیین کند که چه کسی یهودی ست؟» و غیره ...

«آیا می توان از طریق آزمایش ژنتیکی، یهودیت را تشخیص داد؟»

در این مورد، در میان آنگلو ساکسون ها که بر همه دانشگاه های اسرائیل نفوذ دارند، کمی دستپاچگی دیده می شود، و واژه «نژاد» معنای دو گانه ای دارد: بدون زیر سوال بردن وحدت نژاد انسانی، این واژه همچنین گروه های انسانی را نیز متمایز می کند. به ویژه به خاطر رنگ پوست، بدون این که الزاما بُعد نژادپرستانه را نیز به آن اضافه کند. در طول این سمینار، سخنرانان متعددی از اصطلاح «هویت نژادی یهودی» استفاده کردند و کار آن ها موجب شد که مو بر تن بسیاری از حاضران سیخ شود. در نقطه تلاقی زیست شناسی (بیولوژی)، جمعیت شناسی و جغرافیا، کارشناسان «ژنتیک اهالی» به منزله ی نوک کمان این موج هستند و رله های آن ها در اسرائیل، بیش از پیش فعال تر شده اند. در اسرائیل و ایالات متحده، موسسات دانشگاهی وجود دارند که به پژوهش در مورد «ژن یهودی» می پردازند، یعنی در مورد ساختار ژنتیکی که فقط به یهودیان تعلق دارد و آن ها قصد تدوین این تر را نیز دارند. برای مثال، پرفسور آمریکایی، هاری اوسترر، مسئول آزمایشگاه ژنتیک در دانشکده پزشکی دانشگاه خصوصی یشیوا در نیویورک با انتشار جزوه ای با عنوان «میراث، تاریخ ژنتیکی خلق یهود» در سال ۲۰۱۲، جنجال بزرگی برپا کرد (۴). در این کتاب، اوسترر از پدیده ای به نام «اساس ژنتیک یهودیت» سخن می گوید. عنوان های شش فصل کتاب، به تنهایی گویا هستند: به ترتیب، «با حالت یهودی»، «موسسان»، «شجره نامه»، «قبیله ها»، «کاراکترها»، و بالاخره «هویت». در مجله «نیویورک ریویو آو بوک»، این کتاب با انتقاد پژوهشگر مشهور دانشگاه هاروارد، ریچارد لیونتین مواجه شد که از سر تا ته آن را رد می کرد.

باوجوداین، پرفسور استرر در برخی محافل دانشگاهی اسرائیل، نظیر بیمارستان دانشگاهی رامبام رقیب پیدا کرده است.

در حیفا، در جریان تهیه ی گزارشی در سال ۲۰۱۴، با ژیل آتزمون، پژوهشگر ژنتیک آن بیمارستان دیداری کردیم. او اظهار داشت: «ثابت شده است که می توان از طریق آزمایش های ژنتیکی، یهودیت را مشخص کرد» (گوئی تاریخ کفایت نمی کرد). او محتاطانه ایده ی «ژن یهودی مجزا» را رد می کرد ولی می افزود «این گفته به این معنا نیست که علم آن را نخواهد یافت، پژوهش ها پیشرفت می کنند» (۵). برعکس، به عقیده او «ژن ها امکان می دهند که به صورتی دقیق تر، تاریخ مداوم خلق یهودی را در ارتباط با ژن های آن ها و فِنوتیپ* (مجموعه خصوصیت های مشترک آن را) بازسازی کرد». آیا این جمعیت، در مدت ۲۵ قرن، از نظر ژنتیکی «همسان» (هُموژن) مانده اند ؟

این پژوهشگر می پذیرد که در کشورهای پیرامون مدیترانه، در طی قرن ها، به ویژه بین سده ی اول و چهارم میلادی و حتی پس از آن، بسیاری به یهودیت گرویده اند. او می افزاید، «اما این امر نمایانگر از بین بردن گرایش غالب نبود». یهودیان به دلیل پیامدهای آزارها و تمایل بعدی آن ها نسبت به عزلت و گوشه گیری جهت حفاظت از خود، امکان یافته اند تا «هویت ژنتیکی» خودشان را همچنان حفظ کنند.

ناسیونالیست هایی که با نقاب برچهره پیش می روند

اگر بگوئیم که این نظریه ها، اعتراض های زیادی را برانگیخته اند، اغراق نکرده ایم، پیش از همه، در بین متخصص های ژنتیک و حتی بیشتر از آن ها در میان مورخان، مورخان، چه اولتراناسیونالیست و چه پیشرو، تقریباً همه بدون استثناء شدیداً مخالف این «بازسازی» هستند. باوجود این، اِوا ژِبلونکا، پژوهشگر اسرائیلی، یکی از دو نویسنده ی کتاب «تحول در چهار بُعد»، (۶) طرفدار قاطع استفاده از ژنتیک در علوم انسانی، با استفاده ای که پژوهشگران از «ژن یهودی» می کنند، قاطعانه مخالف است. او آن ها را «ناسیونالیست»هایی می خواند که با «نقاب برچهره به پیش می روند» و فقط تلاش می کنند که آن چه را که باور دارند، ثابت کنند؛ یعنی این که وجود خلق سه هزارساله تغییری نکرده و در نتیجه منحصر به فرد است. او ادامه می دهد که این نکته، پوچ و ابلهانه است. همان قدر احمقانه است که فکر کنی «گول ها» نیاکان فرانسوی های کنونی بودند. اما نظریه ای ابلهانه که هر روز طرفداران جدیدی در اسرائیل و به ویژه در بین اولتراناسیونالیست های عرفانی پیدا می کند.

«ایدئولوژی هیتلر صد درصد درست بود»

بدین ترتیب، نهاد خاخامی اسرائیل نسبت به سنجش یهودیت افراد موسوم به «مشکوک» دست به دامن ژنتیک شده است. نوح اسلایکوف، تحلیلگر اسرائیلی گوشزد می کند که «با این کار، با کشاندن [افراد] جهت انجام آزمایش های ژنتیکی، نهاد خاخامی اسرائیل در دام عِلْم نژادی قرن نوزدهم می افتد (۷)».

کسانی خواهند گفت که این گرایش های دهشتناک، این نظریه های مربوط به ایدئولوژی «صد درصد درست هیتلر»، یعنی نظریه های مربوط به «ژنتیک یهودی»، «خلق-نژاد»، در اسرائیل در حاشیه مانده و البته راست هم گفته اند. (در همان فصل، کتاب قبلا گفتار خاخام گئورا رادل، مدیر مدرسه نظامی مذهبی بنی داوید را نقل می کند که در آوریل ۲۰۱۹ اعلام کرده بود «ایدئولوژی هیتلر صد درصد درست بود، منتهی طرف نادرست را هدف قرار داده بود»، یعنی به معنای دیگر، هیتلر فقط هدف را اشتباه گرفته بود، و به جای حمله به دشمنان واقعی یعنی مسلمان ها و عرب ها، به یهودیان حمله کرده است). اما، اشتباه است اگر گسترش دائمی آن ها جدی گرفته نشود. در سال ۱۹۶۷، هنگامی که اسرائیل دیوار ندبه را تسخیر کرد، خاخام اعظم ارتش، شلومو گورن در یک حالت هیجان عرفانی، فوراً به انفجار گنبد مسجد صخره، از مکان های مقدس مسلمانان و ساختن معبد به جای آن دعوت کرد.

موشه دایان فاتح جنگ، (او وزیر دفاع بود) به صخره پاسخ داده بود: «خوب چه کسی به یک واتیکان یهودی نیاز دارد؟». پنجاه و سه سال بعد، طرفداران «بازسازی معبد»، حاشیه نشینانی نیستند که در گذشته مسخره شان می کردند. در میان آنان، نماینده مجلس، انجمن های پولدار متکی به منابع مالی سخاوتمند و مبلغان با نفوذ وجود دارند. حکومت اسرائیل، به طور رسمی به یکی از موسسات وابسته به این جریان، «ال-عاد» ماموریت داده تا در نزدیکی محوطه مسجدها به کاوش های باستانشناسی بپردازد. کار خطائی خواهد بود اگر وزنه راست افراطی، چه لائیک و چه عرفانی، در تحول اسرائیل نادیده گرفته شود.

ایده های این جناح، به طور مستمر گسترش می یابد. ابتدا همین جریان است که در این نظریه های نژادپرستانه و نژادی، مبالغه می

کند. اگر در آینده، این جریان به قدرت برسد (امری که از هم اکنون به آن چشم دوخته اند، بدون این که امکانات اصلی اش را داشته باشند) همه خاورمیانه با مخاطره ی تکه تکه شدن گِیج کننده ای روبرو خواهد شد که از هم اکنون انسان از وحشت در برابر آن به خود می لرزد.

پاورقی ها :

-۱

Barak Ravid, « [Netanyahu : We'll surround Israel with fences to defend ourselves against wild beasts](#) », *Haaretz*,
.9 février 2016

-۲

Gil Stern Hoffman et Shuly Wasserstrom, « [MKs slam Netanyahu over his son dating a non-Jewish Norwegian woman](#) », *Jerusalem Post*, 26 janvier 2014

-۳

Salman Masalha, « [Outcry over Israeli-Arab intermarriage exposes the racist truth about Israel](#) », *Haaretz*,
.19 octobre 2018

-۴

Harry Ostrer, *Legacy : A Genetic History of the Jewish People*,
.Oxford University Press, Oxford, 2012

-۵

Sylvain Cypel, « [À la poursuite du “gène juif”](#) », *Revue XXI*,
.avril 2015

-۶

Eva Jablonka et Marion J. Lamb, *Evolution in Four Dimensions : Genetic, Epigenetic, Behavioral, and Symbolic Variation in the History of Life*, The MIT Press, Cambridge, 2005

Noah Slepko, « [Israel's rabbis think genetic testing can "prove" Jewishness. They're wrong](#) », *Haaretz*, 29 avril 2019

* فینو تیپ Phénotype: در ژنتیک، به مجموعه مشخصه هائی که در یک ارگانیسم قابل مشاهده اند، فنوتیپ می گویند. گاهی کاربرد این واژه به یک مشخصه در سطح سلولی یا مولکولی محدود می شود. مانند خصوصیات بیوشیمیائی یا فیزیولوژیکی.

در فارسی، به آن رُخ نمود یا رُخ مانه نیز می گویند.

<https://orientxxi.info/lu-vu-entendu/en-quete-du-gene-juif,3600>